

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم از معنای مشتقات ریشه

«ح-س-ب»

محسن فریادرس^۱ و مریم نظریبگی^۲ و سمانه مرادی^۳

چکیده

ریشه «ح-س-ب» و مشتقات آن از جمله ساخت‌های پیچیده و دشوار در قرآن کریم به شمار می‌آیند که مترجمان فارسی معاصر در ترجمه آن‌ها با چالش‌های معنایی متعددی روبه‌رو بوده‌اند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی دقیق معنای مشتقات این ریشه و ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن، به‌ویژه ترجمه‌های فولادوند، مکارم شیرازی، یزدی، حدادعادل، انصاریان و کوشا، پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مترجمان فارسی برای ۱۰۹ کاربرد قرآنی این ریشه، معادل‌هایی متنوع همچون «اندیشیدن»، «انگاشتن»، «گمان کردن»، «پنداشتن»، «عذاب»، «آفت»، «حساب دقیق»، «حسابرسی»، «پاداش دادن»، «بسنده»، «کافی» و... ارائه کرده‌اند. تحلیل‌ها حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل مؤثر در معنایابی ریشه «ح-س-ب»، ساخت‌های صرفی آن است. در این ریشه، سه ساخت اصلی «حُسبان» به معنای «شمردن»، «حُسبان» به معنای «پنداشتن» و «حَسَب» به معنای «بس» وجود دارد که از آن‌ها هفت ساخت در قرآن انعکاس یافته است. تفاوت‌های ساختی میان این هفت شکل، موجب شکل‌گیری معانی و ترجمه‌های متنوع و گاه متفاوتی از ساخت اصلی شده است. برخی از مترجمان یادشده به این تفاوت‌ها توجه کافی نداشته‌اند و در نتیجه، ترجمه‌هایی ناقص یا نادرست ارائه داده‌اند. در این میان، ترجمه‌های فولادوند نسبت به سایر مترجمان، عملکرد بهتری داشته و دقیق‌تر ارزیابی شده‌اند. واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه‌های معاصر، ریشه «حسب»، حُسبان، حَسَب.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، لرستان، بروجرد، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛
(m.faryadres@abru.ac.ir).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، لرستان، بروجرد، ایران؛
(m.nazarbeygi@abru.ac.ir).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث - گرایش معارف قرآن، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)،
لرستان، بروجرد، ایران؛ (stumoradi@abru.ac.ir).

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی به مرحله‌ای بی‌سابقه از نظر کمیت و تنوع رسید. بر اساس پژوهش‌ها، سه دهه اخیر را می‌توان نقطه اوج تاریخی این روند دانست؛ دوره‌ای که در آن بیشترین تعداد ترجمه‌های فارسی قرآن منتشر شده است. این رشد چشمگیر تا آن جا پیش رفته که برخی پژوهشگران از آن با عنوان «نهضت ترجمه قرآن» یاد کرده‌اند (ناصری، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸).

با وجود دستاوردهای قابل توجه، ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن با چالش‌های کیفی متعددی مواجه‌اند؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها، دشواری در انتقال مفاهیم واژگان پیچیده قرآنی است. این چالش‌ها نیازمند بازنگری‌های عمیق مبتنی بر مطالعات زبان‌شناختی، تفسیری و تطبیقی‌اند. در همین راستا، مفسران، زبان‌شناسان و بلاغت‌پژوهان در قرون گذشته با نگارش آثار ارزشمند در حوزه‌های تفسیر، لغت، نحو و بلاغت، راهکارهایی برای رمزگشایی معنای این واژگان ارائه کرده‌اند.

یکی از نمونه‌های برجسته این چالش، ترجمه ساخت‌های مشتق از ریشه «ح-س-ب» است که با ۱۰۹ بار کاربرد در ۴۰ سوره و ۱۰۲ آیه (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۰-۲۰۱)، از پرتکرارترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم قرآنی به شمار می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هم لغویان و مفسران فریقین (شیعه و اهل سنت) و هم مترجمان معاصر فارسی، در تعیین معنای دقیق این مشتقات اختلاف نظر چشمگیری دارند؛ به گونه‌ای که ارائه ترجمه‌ای یکپارچه و منسجم از این ساخت‌ها را دشوار ساخته است.

در این میان، دو پرسش محوری، چارچوب پژوهش حاضر را شکل می‌دهد: ۱. بر اساس دیدگاه‌های لغویان و مفسران، چه معانی‌ای برای ریشه «ح-س-ب» و مشتقات آن ذکر شده است؟ منشأ تنوع این معانی چیست و چه راه‌حلی برای رفع این چالش وجود دارد؟ ۲. عملکرد مترجمان فارسی در انتقال معادل‌های این ساخت‌ها چگونه ارزیابی می‌شود و چه کاستی‌هایی در ترجمه‌های آنان قابل مشاهده است؟ معادل‌های برگزیده این ساخت‌ها در زبان فارسی کدام‌اند؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع

لغت عربی، مطالعات واژه‌پژوهی قرآنی، تفاسیر کهن و معاصر، و با تمرکز بر قاعده زبان‌شناختی «زیاده المبانی تدلّ علی زیاده المعانی»، به واکاوی معنای ساخت‌های مشتق از ریشه «ح-س-ب» پرداخته است. در مرحله بعد، با استخراج معادل‌های مناسب از فرهنگ لغات فارسی، ترجمه‌های شش‌گانه فولادوند، مکارم‌شیرازی (مکارم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۷)، یزدی، حدادعادل، انصاریان و کوشا از دو منظر «دقت در انتقال کامل معنای آیه» و «تناسب معادل با بافت» مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. معیار انتخاب این مترجمان، تنوع روش‌های ترجمه (تحت‌اللفظی، معنایی، تفسیری) و اعتبار علمی آنان بر اساس پذیرش عمومی و جایگاه تخصصی بوده است.

پیشینه پژوهش: با تفحصات صورت‌گرفته، مقالات زیر در زمینه سابقه پژوهش مرتبط با ریشه «حسب» در قرآن کریم شناسایی شدند:

الف. موسوی، سیدحسین (۱۳۹۷)، «گونه‌شناسی حسب (پنداشتن) در قرآن کریم»، معارف قرآن و عترت، دوره ۴، شماره ۷، صص ۳۰-۵۳.

ب. حلیمی‌جلودار، حبیب‌الله و قربانی لاكتراشانی، فاطمه (۱۴۰۱)، «واکاوی معنایی ماده «حسب» در تبیین کیفیت محاسبه اعمال»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۲۷-۵۶.

ج. رجاء، ابوعلی و کماسی، إحياء (۱۴۰۱)، «تعانق المستويات الاربعه لمفردتي "الشك" و "الحسب" فی ایصال الرویه القرآنیة»، آفاق الحضارة الاسلامیه، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱-۳۶.

د. احمدی، قادر و همکاران (۱۴۰۲)، «بررسی حوزه معنایی و زبان‌شناسی مواد «حسب»، «ریب»، «شک»، «ظن» و «یقن» و ارتباط آن‌ها با مفهوم عقل در قرآن»، پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، دوره ۵، شماره ۲، صص ۵-۲۳.

ه. همتی، محمدعلی (۱۴۰۲)، «واکاوی معنای «حسباً» در آیه «...يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ...» بر اساس روابط همنشینی»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۱۴۳-۱۷۱.

و. میرعباسی جامع، طاهره (۱۴۰۳)، «راهکارهای مقابله با پندارهای غلط اجتماعی از دیدگاه

قرآن و مفسران فریقین (مطالعه موردی: واژه «حسب»)، مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره ۵، شماره ۶۵، صص ۵۳۵-۵۵۶.

برخی از مقالات فوق با بهره‌گیری از معنای واژه «حسب»، به اصلاح مباحث اعتقادی و اجتماعی پرداخته و تلاش کرده‌اند تصویری زنده و ملموس از صحنه‌های قیامت ارائه دهند. گروهی دیگر، افزون بر بررسی معنای «حسب»، مجموعه‌ای از واژگان قرآنی را به‌طور هم‌زمان تحلیل کرده‌اند و صرفاً به معناشناسی این واژه محدود نشده‌اند. همچنین، برخی مطالعات تنها به تحلیل یک ساخت یا یک آیه خاص از ریشه «حسب» بسنده کرده و سایر کاربردهای آن را نادیده گرفته‌اند.

در مقابل، مقاله حاضر با رویکردی جامع، استدلال‌های لغویان، مفسران و منابع وجوه و نظائر را در فرآیند معادل‌یابی واژه «حسب» بررسی می‌کند و سپس ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن را از این منظر نقد و ارزیابی می‌نماید. در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تحلیل معنایی یا حوزه معنایی واژه‌ها پرداخته‌اند، این مطالعه تمرکز ویژه‌ای بر نقد دقیق ترجمه‌های فارسی قرآن دارد و آن‌ها را از لحاظ دقت معنایی با یکدیگر مقایسه می‌کند. همچنین، برخلاف پژوهش‌هایی که به مفاهیم کلی‌تر یا واژگان متعدد پرداخته‌اند، این مقاله به‌طور خاص بر مشتقات ریشه «حسب» متمرکز است و افزون بر تحلیل لغوی، با ارزیابی ترجمه‌های معاصر، عملکرد مترجمان را به‌صورت همه‌جانبه تحلیل و نقد می‌کند؛ نقاط قوت و ضعف هر ترجمه را شناسایی کرده و معنای دقیق و مناسب هر ساخت را به روشنی ارائه می‌دهد.

الف. فراوانی کاربردهای قرآنی ریشه «ح-س-ب»

ریشه «ح-س-ب» به همراه دیگر مشتقات آن، ۱۰۹ بار در ۱۰۲ آیه و ۴۰ سوره بکار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، صص ۲۰۰-۲۰۱). توزیع مشتقات گوناگون این ریشه در قالب جدول زیر می‌آید:

مشتقات	بسامد	مشتقات	بسامد	مشتقات	بسامد	مشتقات	بسامد	مشتقات	بسامد
حَسِبَ	۵	يَحْسِبُهُ	۱	تَحْسِبُوهُ	۲	حَسِبَكَ	۲	حِسَابًا	۴
حَسِبْتُ	۱	يَحْسِبُهُمْ	۱	تَحْسِبُونَهُ	۱	حَسِبِي	۲	حِسَابُهُ	۲
حَسِبُوا	۱	يَحْسِبُونَ	۸	حُسْبَان	۱	حُسْبَانَا	۳	حِسَابُهُمْ	۵
حَسِبْتُهُ	۱	تَحْسِبُ	۱	حُسْبَانًا	۲	فَحَاسِبْنَاهَا	۱	حَسَابِكَ	۱
حَسِبْتُهُمْ	۱	تَحْسِبَنَّ	۵	حَاسِبِينَ	۲	يُحَاسِبُ	۱	حِسَابِيَه	۲
حَسِبْتُمْ	۴	تَحْسِبَتُهُمْ	۱	حَسِيًّا	۴	يُحَاسِبُكُمْ	۱	يَحْسِبُ	۱
يَحْسِبُ	۵	تَحْسِبُهَا	۱	حَسِيَّة	۲	الْحِسَاب	۱۸	يَحْسِبُوا	۱
يَحْسِبَنَّ	۳	تَحْسِبُهُمْ	۲	حَسِبُهُمْ	۲	حِسَاب	۷	يَحْسِبُونُ	۱

با تجميع ۴۰ حالت فوق، مجموعاً هفت ساخت صرفی به شرح زیر با فراوانی‌های مختلف مستفاد می‌شود: ثلاثی مجرد (حَسِبَ، حَسِبْتُ، حَسِبُوا، حَسِبْتُهُ، حَسِبْتُمْ، يَحْسِبُ، يَحْسِبَنَّ، يَحْسِبُهُ، يَحْسِبُهُمْ، يَحْسِبُونَ، تَحْسِبُ، تَحْسِبَنَّ، تَحْسِبْتُهُمْ، تَحْسِبُهَا، تَحْسِبُهُمْ، تَحْسِبُوهُ و تَحْسِبُونَهُ) با فراوانی ۴۴ مرتبه، مصدر (حُسْبَان و حُسْبَانًا) با فراوانی ۳ بار، اسم فاعل (حَاسِبِينَ) با فراوانی ۲ بار، صفت مشبیه (حَسِيًّا) با فراوانی ۴ مرتبه، جامد غیرمصدری (حَسِيَّة، حَسِبْتُمْ، حَسِبَكَ، حَسِبِي و حَسْبَانَا) با فراوانی ۱۱ مرتبه، ثلاثی مزید باب مفاعله (فَحَاسِبْنَاهَا، يُحَاسِبُ، يُحَاسِبُكُمْ، الْحِسَاب، حِسَاب، حِسَابًا، حَسَابُهُ، حَسَابُهُمْ، حَسَابِكَ و حَسَابِيَه) با فراوانی ۴۲ بار، ثلاثی مزید باب افتعال (يَحْتَسِبُ، يَحْتَسِبُوا و يَحْتَسِبُونُ) با فراوانی ۳ مرتبه.

ب. گوهر معنایی ریشه «ح-س-ب»

ریشه «ح-س-ب» از دیدگاه ابن‌فارس دارای چهار اصل معنایی است: «شمارش»، «کفایت»، «بالشت‌های کوچک» و «کسی که پوستش سفید شده است» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۹-۶۱). در مقابل، مصطفوی تنها یک اصل معنایی برای این ریشه برمی‌شمارد: «اشراف و

اطلاع با هدف آزمایش» که آن را با واژه «رسیدگی» ترجمه می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۲). در این میان، حسن جبل معنای محوری این ریشه را «جمع‌آوری چیزهای پراکنده در فضا» می‌داند که به مفاهیم «حسب» (کفایت کردن) و «الحسب» (شمردن) منتهی می‌شود (جبل، ۲۰۱۰، ص ۴۲۵-۴۲۶).

پیش از بررسی این اصول معنایی، باید توجه داشت که «گوهر معنایی» به معنای محوری و اصلی اطلاق می‌شود که هم غیرحسی (معنوی) باشد و هم وصفی، و در تمام ساخت‌های مشتق‌شده از ریشه کاربرد داشته باشد (طیب‌حسینی، ۱۳۹۷، ص ۴۸). بر این اساس، دو مفهوم «تکیه‌گاه و بالشت‌های کوچک» و «بیماری جذام» بیشتر ناظر به مصادیق ریشه «ح-س-ب» هستند تا گوهر معنایی آن؛ چراکه این دو یا حسی‌اند یا فاقد وصف‌بودن.

از سوی دیگر، میان اصول مطرح‌شده توسط مصطفوی و حسن جبل تفاوت‌هایی وجود دارد. مصطفوی در اصل معنایی ریشه «ح-س-ب» بر عنصر «دقت» تأکید می‌کند، در حالی که حسن جبل به آن اشاره‌ای نکرده است. از بیان جبل چنین برمی‌آید که وقتی چیزی فضا را اشغال می‌کند، هدف فرد معمولاً جمع‌آوری آن است، اما بدون الزام به دقت. این جمع‌آوری فاقد دقت، با مفهوم «اشراف و اطلاع دقیق» که مصطفوی مطرح کرده، در تضاد است.

با این حال، اصل معنایی پیشنهادی مصطفوی مبنی بر «اشراف و اطلاع با هدف آزمایش» نیز از جامعیت لازم برخوردار نیست؛ زیرا یکی از معانی حسی متفق‌القول برای «حسب» به‌عنوان ساختی برگرفته از این ریشه، «پنداشتن»، «گمان کردن» یا «خیال کردن» است که لزوماً با دقت همراه نیست و نمی‌توان آن را مصداقی از اشراف دانست.

از منظر سوم، میان سه اصل «شمردن یا حساب کردن»، «کافی بودن» و «اشراف»، دو مفهوم نخست به اصل سوم بازمی‌گردند. زیرا اولاً، فرد در هنگام شمارش، به‌طور طبیعی از نوعی اشراف - حتی نسبی - بر آنچه می‌شمارد برخوردار است. این اشراف امکان محاسبه صحیح و اطلاع از وضعیت را فراهم می‌سازد. ثانیاً، کفایت چیزی یا کسی نیز مستلزم اشراف کامل بر کمیت و کیفیت آن است تا بتوان از آن به‌درستی بهره برد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد که «اشراف» را می‌توان به‌عنوان گوهر معنایی ریشه «ح-س-ب» در نظر گرفت؛ چراکه هم معنوی است، هم وصفی، و هم در میان ساخت‌های مختلف این ریشه، جامعیت دارد.

ج. مفهوم کاربردهای قرآنی ریشه «ح-س-ب» و ارزیابی ترجمه‌ها

به‌طور طبیعی، بررسی ترجمه‌های ۱۰۹ کاربرد قرآنی ریشه «ح-س-ب» در فضای محدود این نوشتار، کاری نسبتاً دشوار است. از این‌رو، تمرکز بر دسته‌بندی صرفی ساخت‌های این ریشه که پیش‌تر انجام شد، هم می‌تواند به ارائه تحلیل‌های دقیق‌تر منجر شود و هم تصویری روشن‌تر از آیات مشتمل بر این ریشه ارائه دهد. پس از آن، بررسی ترجمه‌های فارسی معاصر نیز آسان‌تر خواهد بود.

توجه به ساخت‌های صرفی، مبتنی بر قاعده «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی» است؛ بر اساس این قاعده، هر ساخت صرفی، معنای خاص و مناسبی را منتقل می‌کند که ممکن است با ساخت دیگر متفاوت باشد. به‌ویژه آن‌که گاه تغییر معنایی یک واژه، بیش از آن‌که به سیاق آیه وابسته باشد، به تغییر ساخت صرفی آن مرتبط است.

در ادامه، بررسی مفهوم قرآنی مشتقات ریشه «ح-س-ب» به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. معنای ساخت ثلاثی مجرد ریشه «ح-س-ب»

ساخت ثلاثی مجرد «حَسِبَ يَحْسَبُ» که مصادر آن «حَسَبان»، «مَحْسَبَة» و «مَحْسَبَة» است، در ۴۴ آیه قرآن به‌کار رفته است. لغویان متفق‌القول‌اند که معنای این ساخت «ظَنَ» یا «گمان» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷۴؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۹). این معنا در کتب وجوه و نظائر نیز تأیید شده است (دامغانی، ۱۹۸۰م، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ نیشابوری، ۱۴۲۲، ص ۲۰۶). مفسران نیز با توجه به سیاق آیات مشتمل بر این ساخت، معنای «ظَنَ» را پذیرفته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۴۴؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۹۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۳۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۰).

با این حال، در تحلیل معنای «ظَنّ» باید به نکته‌ای مهم توجه داشت: قرآن، نازل شده از سوی خدای حکیم است و اگر مقصود خداوند از «حَسِبَ يَحْسَبُ» همان «ظَنّ» بود، طبیعتاً باید از ساخت «ظَنّ يظُنّ» استفاده می‌شد، نه «حَسِبَ يَحْسَبُ». از سوی دیگر، بر اساس گوهر معنایی ریشه «ح-س-ب»، در «حَسِبَان» نوعی اشراف و اطلاع نسبی وجود دارد که به علم نزدیک است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۲)؛ در حالی که در «ظَنّ»، چنین اشرافی وجود ندارد و بیشتر بیانگر تردید راجح است (فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۱).

به عبارت دیگر، «حَسِبَان» حالتی است که فرد برای یکی از دو امر متضاد حکم صادر می‌کند، بدون آن که امر دیگر به ذهنش خطور کند؛ اما «ظَنّ» حالتی است که هر دو امر متضاد به ذهن فرد خطور می‌کند و او یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۴). از همین رو، «حَسِبَ» در مرتبه ضعیف‌تری از «یقین» و در عین حال، برتر از «ظَنّ» قرار می‌گیرد. بنابراین، این ساخت در کاربرد قرآنی، بار معنایی بالاتری از «ظَنّ» دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به «گمان» ترجمه کرد، مگر با افزودن قیودی که دقت معنایی را تضمین کند.

شایان توجه است که در لغت‌نامه‌های فارسی، واژه «پنداشتن» برای انتقال مفهوم «حَسِبَ» به کار رفته است که با مشکلات معنایی مذکور مواجه نیست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۷۵۴). البته در همین فرهنگ لغات، «پنداشتن» معنایی گسترده و چندوجهی دارد و از «وهم» و «خیال» تا «گمان» و حتی «اعتقاد نسبی» را دربرمی‌گیرد (همان). با این حال، در سیاق قرآنی، معنای عام و مبهم لغوی «پنداشتن» مدنظر نیست؛ بلکه معنای خاص و دقیق‌تری مورد توجه است که نشان‌دهنده حد وسطی میان «گمان» و «یقین» است.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت ثلاثی مجرد

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که مترجمان برای ساخت ثلاثی مجرد ریشه «ح-س-ب» معادل‌های متنوعی از جمله «پنداشتن»، «گمان کردن»، «تصور کردن»، «اندیشیدن»، «انگاشتن»، «به حساب آوردن»، «شمردن» و «گویی» را برگزیده‌اند. هرچند برخی از این معادل‌ها در ترجمه‌های مختلف به صورت مشترک به کار رفته‌اند، اما این امر به معنای کاربرد یکسان آن‌ها در تمامی آیات نیست. به عبارت دیگر، مترجمان در این زمینه وحدت رویه نداشته‌اند و بر

اساس تحلیل‌های شخصی، معادل‌هایی را برای آیات مختلف انتخاب کرده‌اند که گاه با ترجمه‌های دیگران متفاوت است.

برای نمونه، در آیه «لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (نور: ۱۱)، فولادوند از معادل «تصور کردن» استفاده کرده است، در حالی که مکارم آن را با «گمان کردن» ترجمه کرده و انصاریان، حدادعادل و کوشا از واژه «پنداشتن» بهره برده‌اند. یزدی نیز معادل «به حساب آوردن» را برگزیده است.

با این حال، در برخی موارد خاص، نوعی هم‌گرایی در ترجمه‌ها مشاهده می‌شود؛ مانند آیات ۲۷۳ و ۳۹ سوره بقره که همگی آن را با معنای «پنداشتن» ترجمه کرده‌اند، یا آیه ۴۴ سوره فرقان که در آن معادل «گمان کردن» مورد توافق قرار گرفته است.

در مجموع، جدول فراوانی معادل‌های ارائه‌شده توسط مترجمان، به شرح زیر تنظیم شده است:

پنداشتن	گمان	تصور	گویی	انگاشتن	اندیشیدن	به حساب آوردن	شمردن
فولادوند	۳۵	۵	۳	۱	---	---	---
مکارم	۱۶	۲۸	---	---	---	---	---
انصاریان	۲۰	۲۴	---	---	---	---	---
عادل	۲۲	۱۹	۱	---	۲	---	---
یزدی	۷	۳۱	۲	---	---	۱	۱
کوشا	۴۱	۳	---	---	---	---	---

در ارزیابی معادل «گمان»، باید توجه داشت که این واژه ترجمه‌ای فصیح از «ظن» است (روحی‌برندق، ۱۳۹۴)؛ در حالی که پیش‌تر نادرستی این‌همانی آن با «حَسِب» اثبات شد. معادل «تصور کردن» نیز بیشتر به تصویر ذهنی اشاره دارد که با معنای «حَسِب» - مبتنی بر شمارش و اشراف - ناسازگار است. همچنین، واژه «گویی» که معمولاً در قالب جمله و به‌عنوان قید تردید به‌کار می‌رود، برای ترجمه یک واژه مستقل مناسب نیست و بار معنایی متفاوتی دارد.

گرچه در فرهنگ لغات فارسی، یکی از معانی «اندیشیدن» معادل «پنداشتن» ذکر شده است

(دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۴)، اما باید توجه داشت که «اندیشیدن» بیشتر به فرآیند ذهنی تفکر اشاره دارد و از همین رو، مفهومی عام و گسترده از آن دریافت می‌شود. در این میان، معادل «انگاشتن» به مفهوم «پنداشتن» نزدیک‌تر است و از نظر معنایی با «حسبان» اشتراک دارد؛ با این حال، در ترجمه روان نمی‌نماید و کاربرد آن در متن قرآنی محدود است. درباره معادل‌های «به حساب آوردن» و «شمردن» نیز باید یادآور شد که این دو مناسب ساخت «حَسَبَ يَحْسَبُ» هستند، نه ساخت «حَسِبَ يَحْسَبُ». هیچ‌یک از لغویان نیز خلاف این تفکیک را مطرح نکرده‌اند.

بر این اساس، مناسب‌ترین معادل برای ساخت «حَسِبَ يَحْسَبُ حِسْبَان»، واژه «پنداشتن» است؛ چراکه هم با گوهر معنایی ریشه هم‌خوانی دارد و هم حد وسطی میان «گمان» و «یقین» را منتقل می‌کند. از منظر فراوانی کاربرد، کوشا با ۴۱ بار گزینش این معادل، موفق‌ترین عملکرد را داشته و یزدی با تنها ۷ بار استفاده، ضعیف‌ترین عملکرد را نشان داده است. جدای از این ملاک، از حیث وحدت و تکرار معنایی نیز، مکارم، انصاریان و کوشا با استفاده از دو معادل، ترجمه‌ای منسجم‌تر ارائه داده‌اند؛ در حالی که یزدی با به‌کارگیری شش معادل مختلف، ترجمه‌ای پراکنده و کم‌انجام داشته است.

به‌عنوان نمونه، ترجمه پیشنهادی برای یکی از آیاتی که کوشا در آن از معادلی غیر از «پنداشتن» استفاده کرده، به شرح زیر است: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ (فرقان: ۴۴): «آیا می‌پنداری که بیشتر آنان می‌شنوند یا خردورزی می‌کنند؟!»

بنابر آنچه گذشت، ساخت ثلاثی مجرد «حَسِبَ يَحْسَبُ» در ۴۴ آیه قرآنی با معنای «پنداشتن» به‌کار رفته است؛ معنایی که حد واسطی میان «ظن» و «یقین» دارد. هرچند مترجمان فارسی معادل‌های مختلفی مانند «پنداشتن»، «گمان کردن» و «تصور کردن» را برگزیده‌اند، اما «پنداشتن» به‌عنوان دقیق‌ترین و مناسب‌ترین معادل پیشنهاد می‌شود.

۲. معنای ساخت باب افتعال ریشه «ح-س-ب»

ساخت «احتساب» سه بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. برخلاف ساخت ثلاثی مجرد،

لغویان برای این ساخت معانی متفاوتی را ذکر کرده‌اند که به شرح زیر است:

الف) «ظَنَ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۰ و ص ۳۱۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۹) ب) «شمارش» (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۲۲) ج) «طلب اجر» (همان منابع) د) «اختبار» و ه) «تجسس» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۷)

مفسران نیز برای این ساخت، معانی گوناگونی از جمله «انتظار داشتن» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۴۲)، «حساب کردن» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۳)، «تصور کردن» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۴۵۸)، «گمان کردن» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۷۲) و «گمان مؤکد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۸۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۱۰۶) را مطرح کرده‌اند.

بر این اساس، مجموعه‌ای از معانی چون «گمان»، «گمان مؤکد»، «شمارش»، «تصور کردن»، «حساب کردن»، «طلب اجر»، «اختبار» و «تجسس» برای ساخت باب افتعال این ریشه ذکر شده است. با این حال، سه معنای پایانی (طلب اجر، اختبار، تجسس) با سیاق آیات مشتمل بر «احتساب» هماهنگ نیستند و لغویانی که این معانی را ذکر کرده‌اند، در تفسیر سه آیه موردنظر نیز آن‌ها را لحاظ نکرده‌اند.

نکته مهم آن است که بررسی دیدگاه‌های لغویان و مفسران نشان می‌دهد که درباره منشأ اشتقاق «احتساب» اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی آن را مشتق از «حَسِبَ يَحْسِبُ / يَحْسَبُ حِسْبَان» می‌دانند و برخی از «حَسَبَ يَحْسَبُ حُسْبَان / حِسَاب / حَسَبَ / حِسْبَة / حِسَابَة». انتخاب هر کدام از این دو منشأ، معنای متفاوتی به ساخت «احتساب» می‌بخشد: در حالت اول، معنای «پنداشتن» متصور است و در حالت دوم، معنای «شمارش».

برای تعیین معنای دقیق‌تر، سیاق آیات بهترین راهنماست. در سه آیه زیر:

﴿وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ (زمر: ۴۷)

﴿فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾ (حشر: ۲)

«وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۳)

به رخداد اموری اشاره شده که فراتر از تصور انسان‌اند؛ مانند رویارویی کافران با امور غیرمنتظره در قیامت، نفوذ اراده الهی در میان یهودیان از مسیری غیرقابل پیش‌بینی، و رسیدن روزی از جایی که در محاسبات ذهنی انسان قرار نداشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۷۲؛ ج ۱۹، ص ۲۰۲ و ص ۳۰۵).

از سیاق این آیات دو نکته قابل برداشت است:

۱. «احتساب» در این موارد به معنای «شمارش» یا «محاسبه عددی» نیست، بلکه به معنای «پنداشتن» است؛ زیرا تأکید بر وقوع اموری است که خارج از انتظار و تصور انسان بوده‌اند و در محاسبات ذهنی او جای نداشته‌اند.

۲. دور بودن این پندار از واقعیت، به نوعی «مبالغه» در احتساب اشاره دارد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۱۰۶). این معنا با ویژگی‌های ساخت باب افتعال نیز هماهنگ است؛ چراکه این باب دارای معانی متعددی چون مطاوعه، مشارکت، جهد، اتخاذ، طلب و هم‌معنایی با ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه است. از میان این معانی، تنها مورد آخر با سیاق آیات هماهنگ است و سایر موارد یا بافت‌ناهماهنگ‌اند یا متکلف.

بنابراین، «احتساب» در این آیات مشتق از «حسبان» است و در ساخت منفی، معنای «به‌هیچ‌وجه نمی‌پنداشتند» را منتقل می‌کند؛ معنایی که هم با سیاق آیات سازگار است و هم با ویژگی‌های صرفی و بلاغی ساخت افتعال.

۴-۲-۱- ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت باب افتعال

با آن‌که ساخت «احتساب» تنها سه بار در قرآن کریم به کار رفته است، اما نزد مترجمان فارسی، معنای واحدی نیافته و هر یک با توجه به زاویه دید و مبانی تفسیری خود، آن را به‌گونه‌ای متفاوت ترجمه کرده‌اند. معادل‌هایی چون «پندار»، «گمان»، «تصور» و «حساب کردن» از جمله ترجمه‌هایی هستند که برای این ساخت ارائه شده‌اند.

در هر صورت، عملکرد مترجمان در ترجمه این ساخت در آیات مذکور به شرح زیر قابل بررسی است:

پندار	گمان	تصور	حساب	
---	---	۲	۱	فولادوند
---	۳	---	---	مکارم
۱	۲	---	---	انصاریان
---	۲	۱	---	یزدی
---	۲	---	۱	عادل
---	۲	۱	---	کوشا

بر اساس آنچه پیش‌تر بیان شد، گزینش هر یک از ترجمه‌های موجود در جدول مذکور، به‌نوعی ناقص یا نادرست است. گرچه ترجمه «پنداشت» به معنای دقیق «احتساب» نزدیک‌تر است، اما فاقد قید مبالغه و تأکید است. بررسی کلی عبارات مترجمان در هر سه آیه نشان می‌دهد که تنها فولادوند با ترجمه «حتی حساب آن را هم نمی‌کردند»، توانسته است عنصر تأکید و مبالغه را منتقل کند؛ هرچند در این ترجمه، واژه «حساب» به‌جای «پنداشت» به‌کار رفته که از نظر معنایی دقیق نیست.

در هر حال، ترجمه پیشنهادی برای «احتساب» در قالب منفی، عبارت است از: «به‌هیچ‌وجه نمی‌پنداشتند». بنابراین، هر یک از ترجمه‌ها از جهتی دچار ضعف‌اند و نزدیک‌ترین معادل به ترجمه پیشنهادی، ترجمه فولادوند و دورترین آن‌ها، سایر ترجمه‌ها هستند. به‌عنوان نمونه، ترجمه پیشنهادی برای یکی از آیات چنین است:

فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا (حشر: ۲): «خداوند از جایی که هیچ نمی‌پنداشتند، بر آنان درآمد.»

بنابر آنچه گذشت، بررسی سیاق آیات مشتمل بر ساخت باب افتعال ریشه «ح-س-ب» در قرآن نشان می‌دهد که «احتساب» در این موارد به معنای «پنداشتن» است، نه «شمارش» یا «محاسبه عددی»؛ چراکه تأکید آیات بر رخداد اموری فراتر از انتظار انسان است. از این‌رو،

ترجمه پیشنهادی برای «احتساب» در قالب منفی، «به هیچ وجه نمی پنداشتند» خواهد بود.

۳. معنای ساخت مصدر ریشه «ح-س-ب»

ساخت «حُسابان» نیز سه بار در قرآن کریم به کار رفته است. در منابع لغوی، این واژه به معنای «حساب دقیق و شدید» آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۲). با این حال «حُسابان» در آیه «و يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ» (کهف: ۴۰) به صورت های مختلفی معنا شده است؛ از جمله: «آتش سوزان» (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۵)، «تیرهای کوچک» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۵؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۵)، «عذاب»، «شر و بلا»، «ملخ و گرد و خاک» و «عذاب حساب شده» (همان، ص ۳۱۶).

صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز «حُسابان» را در آیه ۴۰ سوره کهف به «عذاب» معنا کرده اند (دامغانی، ۱۹۸۰م، صص ۱۲۸-۱۲۹) و در دو آیه دیگر، آن را به «وسیله محاسبه» تفسیر کرده اند (دامغانی، همان؛ مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶م، صص ۱۸۶-۱۸۷).

مفسران نیز این ساخت را به «حساب کردن» یا «وسیله محاسبه» معنا کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۴۲۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۳۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۸۷).

پیش از تحلیل معانی مذکور، باید توجه داشت که «حُسابان» مصدر «حَسَبَ يَحْسَبُ» است و لغویان اتفاق نظر دارند که این ساخت به معنای «حساب دقیق» است. بنابراین، «حُسابان» در هر سه آیه به همین معنا به کار رفته است. نکته مهم آن است که پیچیدگی معنای این آیات، ناشی از ساختار کلی آن هاست؛ اگر ساخت آیه به درستی فهم نشود، معنای واژه نیز دچار ابهام خواهد شد. دو آیه «وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا» (انعام: ۹۶) و «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (رحمن: ۵) از نظر ساختار مشابه اند، اما تفاوتی ظریف دارند: آیه نخست، خورشید و ماه را به عنوان وسیله ای برای «حسابان» معرفی می کند، در حالی که آیه دوم، برخورداری آن ها از «حسابان» را بیان می نماید.

به عبارت دیگر، در آیه انعام، خورشید و ماه در کنار سایر پدیده‌ها، نظم شب و روز و ماه و سال را رقم می‌زنند و در آیه رحمن، حرکت آن‌ها با حسابی دقیق توصیف شده است. از همین رو، خداوند در ادامه آیه انعام می‌فرماید: «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۸۷) و در آیه رحمن، حرف «باء» برای بیان ملا بست میان خورشید و ماه با حساب آمده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۱۹).

بنابراین، «حُسابان» در این دو آیه به معنای «حساب دقیق» است و مفاهیمی چون «وسیلگی» یا «همراهی» جزو معنای آن محسوب نمی‌شوند.

در آیه «وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ» نیز، با توجه به سیاق و شأن نزول، موضوع آیه ناظر به مجازات برخی مردم است. فارغ از اینکه این مجازات «آتش»، «تگرگ»، «باد» یا «عذاب» باشد، قدر متیقن آن، حساب شده بودن آن است؛ چراکه در غیر این صورت، ذکر «حُسابان» در آیه لغو خواهد بود. به نظر می‌رسد که در این آیه، مجازات به قرینه سیاق حذف شده و ساخت اصلی چنین بوده است: «وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا [عَذَابًا] حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ». این برداشت با تعبیر «عذاب حساب شده» که ابن منظور ذکر کرده، تأیید می‌شود (۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۶).

در برخی تحقیقات معاصر نیز آمده است که معانی مذکور از سوی لغویان و مفسران یا برگرفته از روایات موقوف و مقطوع‌اند یا از لوازم عذاب محسوب می‌شوند. با استناد به روابط جانمایی و همنشینی، چنین نتیجه گرفته‌اند که آن عذاب، «باد همراه با تگرگ» بوده است.

در فرهنگ لغات فارسی نیز، «حَسَبَ يَحْسَبُ حُسْبَانًا» به «شمارش» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۲۰) که در این صورت، ترجمه «حُسابان» عبارت خواهد بود از: «شمارش دقیق».

۴-۳-۱- ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت مصدر

با توجه برداشت‌هایی که از این ساخت در سه آیه یاد شده صورت گرفته است، بجز فولادوند، آنهم در دو آیه نخست، سایر مترجمان معادل واحدی از هر سه آیه ارائه نداده است تا ترجمه سه آیه به صورت تجمیعی در قالب جدول ذکر شود. لذا این امر در زیر به صورت تفکیکی ذکر می‌شود:

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا		الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ					وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ													
کوشا	عادل	یزدی	انصاریان	مکارم	فولادوند	حساب	محاسبه	حساب کردن و اندازه گیری	گاه شماری	حساب	حساب و نظم	حساب و اندازه	حساب دقیق	حسابی (دقیق)	حسابی دقیق و منظم	آسیبی دقیق و حساب شده	مجازات حساب شده	عذاب	برق و آتش	آفت
				*		*				*										*
														*			*			
				*											*					

ناظر به دو آیه نخست، باید توجه داشت که اغلب ترجمه های فارسی در معادل گزینی، واژه

«حساب» و مشتقات آن را به‌کار برده‌اند؛ واژگانی که ریشه عربی دارند و برای بسیاری از فارسی‌زبانان، فاقد وضوح معنایی و ارتباط ذهنی روشن‌اند. برخی مترجمان، مانند انصاریان، از معادل «محاسبه» استفاده کرده‌اند که از نظر ساخت صرفی، بیشتر مناسب باب مفاعله است تا مصدر ثلاثی مجرد.

فارغ از این نکته، در ترجمه‌هایی مانند «حساب» و «محاسبه»، تنها بخشی از معنای «حُسابان» لحاظ شده و به عنصر «دقت» در آن اشاره‌ای نشده است. در این میان، ترجمه‌هایی که از تعبیر «حساب دقیق» بهره برده‌اند و در ادامه، بر نظم و اندازه‌گیری در حرکت خورشید و ماه تأکید کرده‌اند، قابل قبول‌تر و مطلوب‌تر ارزیابی می‌شوند.

در خصوص معنای «گاه‌شماری» نیز باید توجه داشت که فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را «روشی برای تعیین زمان» تعریف کرده است؛ تعبیری که به‌صورت فشرده، هم وسیلگی خورشید و ماه و هم کارکرد «حُسابان» را در بر می‌گیرد. با توجه به معنای مختار، قرابت این تعبیر با مفهوم قرآنی محسوس است.

برآیند این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ترجمه فولادوند از دقت کافی برخوردار نیست و ترجمه مکارم، به‌ویژه در دو آیه نخست، نسبت به سایر ترجمه‌ها دقیق‌تر است.

درباره آیه سوم نیز، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، ترجمه‌هایی مانند «عذاب»، «آفت» و «برق و آتش» نمی‌توانند معادل دقیقی برای «حُسابان» باشند؛ چراکه عنصر «حساب‌شدگی» در آن‌ها لحاظ نشده است. در این میان، ترجمه انصاریان با تأکید بر «دقیق» بودن عذاب، از ترجمه مکارم نیز دقیق‌تر و کامل‌تر ارزیابی می‌شود.

شایان ذکر است که طبق تحلیل‌های پیشین، مناسب‌ترین نوع عذاب در این آیه، «باد و تگرگ» است که با توجه به عدم تصریح در متن آیه، بهتر است در داخل پرانتز ذکر شود.

در مجموع، ترجمه پیشنهادی برای سه آیه مشتمل بر «حُسابان» به شرح زیر است:

- وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا: و خورشید و ماه را [وسیله] شمارش دقیق قرار داد.
- الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ: خورشید و ماه با شمارشی دقیق همراه‌اند.

• وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ : و از آسمان بر آن‌ها [باد و تگرگی] شمارش شده و دقیق بفرستد.

۴. معنای ساخت اسم فاعل ریشه «ح-س-ب»

ساخت «حاسبین» تنها دو بار در قرآن کریم به کار رفته است. شمار اندکی از لغویان به این ساخت توجه کرده‌اند و آن را به معنای «حسابگر» دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۱۲). صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز این واژه را به «العالم» و «حساب به عینه» معنا کرده‌اند (نیشابوری، ۱۴۲۲، صص ۲۰۶-۲۰۷). مفسران نیز معانی‌ای چون «حساب و شمارش اعمال مردم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۹۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۱۳۲) و «داور» (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۶) را برای این ساخت ذکر کرده‌اند.

بر این اساس، سه معنا برای اسم فاعل این ریشه مطرح شده است: «حسابگر»، «داور» و «عالم». مهم‌ترین معیار در ارزیابی این ساخت آن است که اولاً فاعلیت در معنا حفظ شود و ثانیاً با سیاق آیات هم‌خوانی داشته باشد. با توجه به سیاق دو آیه «وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷) و «هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام: ۶۲)، روشن است که «حاسبین» مشتق از «حَسَبَ يَحْسَبُ حُسْبَانًا» است، نه از «حَسَبَ يَحْسَبُ حِسَابًا».

با توجه به تحلیل‌های پیشین درباره معنای «حَسَبَ»، مناسب‌ترین معنا برای ساخت اسم فاعل در این سیاق، «حسابگر» است؛ چراکه هم با اصل معنایی ریشه هم‌خوانی دارد و هم با سیاق آیات هماهنگ است. در مقابل، «داوری» نتیجه‌ای از فرآیند حساب‌گری است، نه خود معنا؛ یعنی داوری پس از محاسبه رخ می‌دهد. همچنین، معنای «عالم» نیز به طور کامل مفهوم «حاسب» را منتقل نمی‌کند؛ زیرا علم، بخشی از معنا و از لوازم نسبی «حَسَبَ» محسوب می‌شود، نه تمام آن.

بنابراین، معنای مختار برای این ساخت، «حسابگری دقیق» است. با توجه به اینکه واژه «حساب» در فارسی به «شمارش» ترجمه می‌شود، می‌توان معادل «شمارش‌گر دقیق» را برای ترجمه فارسی این ساخت پیشنهاد کرد؛ معادلی که هم فاعلیت را حفظ می‌کند و هم دقت و نظم

نهفته در مفهوم قرآنی را منتقل می‌سازد.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت اسم فاعل

مترجمان در انتقال معنای این ساخت به صورت زیر عمل کرده‌اند:

حساب	حساب‌کننده	حسابرس	حسابگر	
---	---	۲	---	فولادوند
---	۱	---	۱	مکارم
---	---	---	۲	انصاریان
---	---	---	۲	یزدی
۱	---	---	۱	عادل
---	---	۲	---	کوشا

بجز ترجمه «حساب» که فاقد بار معنایی فاعلیت است، سایر معادل‌های ارائه شده نیز، علاوه بر آن که ترکیبی از واژگان عربی و فارسی‌اند، از جامعیت لازم برخوردار نیستند. بر اساس تحلیل‌های پیشین، مناسب‌ترین معادل برای این ساخت، «شمارش‌گر دقیق» است؛ چراکه هم فاعلیت را منتقل می‌کند و هم دقت و نظم نهفته در مفهوم قرآنی را بازتاب می‌دهد.

بر این اساس، عملکرد مترجمان در ترجمه این ساخت، با معیار پیشنهادی همخوانی ندارد و ترجمه حدادعادل ضعیف‌ترین ارزیابی را به خود اختصاص می‌دهد. در هر حال، ترجمه پیشنهادی برای یکی از آیات این ساخت به شرح زیر است:

وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء: ۴۷): «ما برای شمارش‌گری دقیق کافی هستیم.»

۵. معنای ساخت صفت مشبیه ریشه «ح-س-ب»

ساخت «حسیب» چهار بار در قرآن کریم به کار رفته است. بیشتر لغویان، معنای «کافی» را برای آن ذکر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۹؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷۴). برخی دیگر، معنای «کریم بنفسه» را مطرح کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۵). گروهی نیز با توجه به گوهر معنایی مورد

نظر خود، این ساخت را از نام‌های الهی دانسته و آن را به «کسی که بر مردم آگاه است، بر آنان نظارت دارد، آنان را درک می‌کند و از همه امورشان مطلع است» معنا کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۲).

صاحبان کتب وجوه و نظائر، این واژه را به «شهید» (گواه) معنا کرده‌اند (نیشابوری، ۱۴۲۲، صص ۲۰۶-۲۰۷). مفسران نیز معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند؛ از جمله «محاسب» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۰۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۷۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۸)، «گواه» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۰۲)، «حسابگر» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۹۷). برخی دیگر نیز توضیح داده‌اند که این واژه به این معناست که خداوند حکم بندگان را بدون حساب دقیق صادر نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۷۲).

برآیند این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که معانی «گواه»، «کافی»، «حسابرسی دقیق» و «حسابگر» برای ساخت صفت مشبیه این ریشه مطرح شده‌اند. با توجه به اینکه این ساخت برگرفته از «حسب یحسب حُسوبان» است، طبیعتاً معنای «حسابگری دقیق» نیز در آن مندرج است؛ با این تفاوت که «حسیب» به‌عنوان صفت مشبیه، دلالت بر ثبوت دارد و باید این ویژگی در ترجمه لحاظ شود. از این‌رو، معنای «دوام حسابگری دقیق» برای این ساخت، مطلوب‌تر به نظر می‌رسد.

در خصوص معانی «گواه» و «کافی»، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، این مفاهیم در قرآن کریم دارای ساخت و افعال خاص خود هستند و به‌کارگیری آن‌ها در قالبی غیر از ساخت اصلی‌شان، از اصول منطقی و عقلانی زبان فاصله دارد. چنین کاربردی تنها زمانی قابل قبول است که همراه با توضیح و تفسیر دقیق ارائه شود.

بنابراین، معنای این ساخت «حسابگری دقیق» است و در ترجمه فارسی، می‌توان از معادل «شمارش‌گری دقیق» بهره برد.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت صفت مشبیه

ساخت «حسیب» نیز همانند سایر مشتقات ریشه «ح-س-ب»، با وجود بسامد محدود در قرآن، توسط مترجمان فارسی به معانی متعددی ترجمه شده است:

نگهدارنده حساب	حسابرس	حساب	حسابگر و پاداش‌دهنده	حسابرسی	محاسبه	
---	۱	---	---	۳	---	فولادوند
---	۱	۱	۱	---	۱	مکارم
---	۱	---	۱	۱	۱	انصاریان
---	۱	---	۲	۱	---	یزدی
۲	۲	---	---	---	---	عادل
---	۳	---	۱	---	---	کوشا

بر اساس تحلیل‌های پیشین، ترجمه‌هایی مانند «محاسبه» که ناظر به باب مفاعله‌اند، و «حساب» که فاقد بار فاعلی است، ترجمه‌هایی دقیق محسوب نمی‌شوند. همچنین، معادل «حسابرسی» که به فرآیند رسیدگی اشاره دارد، از آن‌جا که دلالت بر حالت موقتی دارد، با ساخت صفت مشبیه که دلالت بر ثبوت و دوام دارد، سازگار نیست.

در مورد ترجمه «پاداش‌دهنده» نیز روشن است که این معنا، نتیجه عملکرد «حسیب» است، نه خود معنای آن. تأیید این نکته را می‌توان در آیاتی مانند «فَحَاسِبُنَّهَا حِسَاباً شَدِيداً وَعَذِّبْنَهَا عَذَاباً نُكْرًا» (طلاق: ۸) مشاهده کرد؛ جایی که جزا به‌عنوان نتیجه محاسبه ذکر شده است.

در این میان، گرچه معادل «نگهدارنده حساب» هم فاعلیت و هم استمرار را منتقل می‌کند، اما از نظر زبان فارسی، قدری نامأنوس است و ارتباط روانی لازم را با مخاطب برقرار نمی‌سازد. از این‌رو، ترجمه «شمارش‌گری دقیق» پیشنهاد می‌شود؛ معادلی که هم فاعلیت را حفظ می‌کند، هم دلالت بر ثبوت دارد و هم برای مخاطب فارسی‌زبان قابل فهم‌تر است.

بر همین اساس، عملکرد حدادعادل در ترجمه این ساخت نسبت به سایر مترجمان موفق‌تر ارزیابی می‌شود؛ زیرا توانسته است مفهوم فاعلیت و استمرار را دقیق‌تر منتقل کند. در مقابل، ترجمه‌های یزدی در این زمینه کمتر موفق بوده‌اند؛ چراکه یا فاقد دقت لازم‌اند یا با ساختار صفتی هماهنگ نیستند. با این حال، هیچ‌یک از ترجمه‌ها به‌طور کامل مطلوب نیستند و معادل پیشنهادی

«شمارش‌گری دقیق» می‌تواند گزینه‌ای مناسب‌تر برای انتقال معنای دقیق ساخت صفت مشبّهه باشد.

به‌عنوان نمونه، ترجمه پیشنهادی برای یکی از آیات این ساخت که نقش آن «تمییز» است و برای روان‌سازی ترجمه، اندکی تغییر یافته، به شرح زیر است:

وَ كَفَى بِاللّٰهِ حَسِيبًا (نساء: ۶): «و خدا همیشه برای شمارش‌گری دقیق کافی است.»

۶. معنای ساخت باب مفاعله ریشه «ح-س-ب»

این ساخت ۴۲ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است که از این تعداد، ۳۹ مورد آن ساخت مصدری و ۳ مورد ساخت فعلی دارد.^۱ لغویان، ساخت باب مفاعله را به «عَدَّ الشَّيْءَ» (شمارش) معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۳؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۱۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷۴) و برخی نیز آن را به «جزاء» (پاداش یا کیفر) معنا کرده‌اند (طریحی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰). گروهی دیگر، با توجه به گوهر معنایی، آن را «مقدمه‌ای برای شناخت و آزمایش» دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۱).

صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز ساخت فعلی آن را به «جزاء» (دامغانی، ۱۹۸۰م، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ ابن‌جوزی، ۱۴۰۷، صص ۲۵۰-۲۵۱؛ هارون بن موسی، ۱۴۰۹، ص ۱۷۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶م، صص ۱۸۶-۱۸۷؛ ابی‌هلال عسکری، ۲۰۰۷م، صص ۱۸۹-۱۹۰) و برخی دیگر به «المؤونة» معنا کرده‌اند (نیشابوری، ۱۴۲۲، صص ۲۰۶-۲۰۷). ساخت مصدری آن نیز به «العدد» (شمارش) و در مواردی به «العرض» معنا شده است (همان منابع).

مفسران نیز این ساخت را به «جزاء» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۰۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۹۱) و برخی دیگر به «حساب یا محاسبه» (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۱۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۴۴)

۱. گفتنی است که ساخت «حساب» که از آن به مصدر باب مفاعله یاد شد، استعمال مصدر ثلاثی مجرد و اسم مصدری نیز دارد.

تفسیر کرده‌اند.

برآیند این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که معانی «شمارش»، «محاسبه»، «جزاء»، «العرض» و «المؤونة» برای ساخت باب مفاعله این ریشه مطرح شده‌اند. با توجه به سیاق آیات، روشن است که این ساخت برگرفته از «حَسَب» است و معنای «محاسبه دقیق» در آن محوریت دارد. با این حال، از آن‌جا که این ساخت در قالب باب مفاعله آمده، باید معنای خاص این باب نیز در تحلیل لحاظ شود.

بررسی منابع ادبی نشان می‌دهد که باب مفاعله پنج معنا دارد: مشارکت، تعدیه، تکثیر، صیروت، و هم‌معنایی با ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه. اگر «شمارش» را در این معنای لحاظ کنیم، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- مشارکت: شمارش طرفینی
- تعدیه: وارد کردن دیگری در شمارش
- تکثیر: شمارش زیاد
- صیروت: قرارگیری در وضعیت شمارش
- هم‌معنایی با ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه: شمارش بسیار دقیق

در این میان، معنای مشارکت و صیروت با سیاق آیات هماهنگ نیستند؛ زیرا نه مشارکتی در فعل وجود دارد و نه مفعول به‌عنوان فاعل ثانویه مطرح شده است. همچنین، ساخت «حَسَب» به‌خودی‌خود متعدی است و اگر در باب مفاعله نیز تعدیه لحاظ شود، باید دو مفعول در آیه وجود داشته باشد که چنین چیزی در آیات مورد نظر دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر، سیاق بیشتر آیات این ساخت، ناظر به محاسبه اعمال بندگان توسط خداوند است و تعبیر «محاسبه زیاد» منطقی نیست. بنابراین، معنای «تکثیر» نیز قابل پذیرش نیست. در مقابل، معنای «هم‌معنایی با ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه» با سیاق آیات کاملاً هماهنگ است؛ چراکه در این آیات، تأکید بر دقت در محاسبه اعمال وجود دارد. برای نمونه، در آیه «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ» (رعد: ۴۰)، این معنا به‌وضوح قابل دریافت است.

بنابراین، مناسب‌ترین معنا برای این ساخت، «شمارش بسیار دقیق» است.

در این میان، گرچه «شمارش» و «جزاء» در یک مسیر معنایی قرار دارند و هر دو روند رسیدگی الهی را در قیامت توصیف می‌کنند، اما «جزاء» نیز مانند «پاداش»، نتیجه محاسبه است، نه معادل آن. همچنین، معنای «العرض» علاوه بر آن‌که در استعمال عربی نادر است، با سیاق آیات نیز هماهنگ نیست؛ به‌ویژه در آیه «فَسَوْفَ يَحْصِبُ حِسَاباً يَسيراً» (انشقاق: ۸)، چنین معنایی متکلفانه خواهد بود. در مورد «المؤنة» نیز همین نکته صادق است و کاربرد آن در آیاتی مانند «مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مَنْ شِئٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مَنْ شِئٍ» (انعام: ۵۲)، فاقد انسجام معنایی است.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت باب مفاعله

تنوع معادل‌ها در برگردان این ساخت بسیار زیاد بود که در قالب جدول زیر قابل مشاهده

است:

بازخواست	حسابرسی	حساب و کاستی	محاسبه	اندازه	مطابق اعمال	کافی و به اندازه: به اندازه کفایت	بسنده	شمار	حسابرس	حساب	حساب و کتاب	
۱	۱	---	۱	---	-	---	---	۱۰	---	۲۸	---	فولادوند
---	---	---	۱	---	۱	---	---	---	---	۴۰	---	مکارم
---	۳	---	۲	---	-	۱	---	--	۶	۲۹	---	انصاریان

نَدی	۶	۲۴	---	--	---	۱	-	---	---	۱	---	---	---
عادل	---	۳۳	---	۱	---	---	-	---	۶	---	---	---	---
کَمِثَا	---	۲۷	۸	۴	۱	---	-	---	---	۱	---	---	---

در ارزیابی موارد فوق، باید توجه داشت که معانی «کافی»، «کفایت» و «بسند» برای ساخت باب مفاعله ریشه «ح-س-ب» نادرست‌اند؛ زیرا با وجود فعل «کفی» در قرآن، به‌کارگیری این معنا برای ساختی متفاوت، از اصول عقلانی و محاوره‌ای زبان قرآن فاصله دارد. از سوی دیگر، ساخت «حاسب یحاسب» که از ثلاثی مجرد «حُسابان» مشتق شده، ارتباطی با ریشه «حَسَب» به معنای «کافی» ندارد.

با این حال، توجه به مفاهیمی چون «اندازه‌گیری» و «بی‌کاستی» در برخی ترجمه‌ها، هم‌سو با معنای «دقیق» است و نشان از دقت مترجم دارد. در ترجمه واژگان قرآنی، باید معادل مطلوب در زبان مقصد لحاظ شود؛ نه آن‌که از خود واژه «حساب» و مشتقات عربی آن استفاده شود، که ممکن است موجب ابهام یا عدم ارتباط معنایی برای مخاطب فارسی‌زبان گردد. از این‌رو، معادل «شمار» مناسب‌تر است.

با این حال، در هیچ‌یک از ترجمه‌های «حساب و کتاب»، «حساب»، «حسابرس»، «محاسبه»، «حسابرسی»، «حساب‌کشیدن» و «شمار»، بخش دیگر معنای ساخت باب مفاعله، یعنی «بسیار دقیق» بودن، لحاظ نشده است. بنابراین، این معادل‌ها از جامعیت لازم برخوردار نیستند.

همچنین، واژگانی مانند «بازخواست» نیز پس از محاسبه اعمال رخ می دهند و همانند «جزاء» و «پاداش»، نتیجه محاسبه اند، نه معادل آن. در این میان، معنای «مطابق اعمال» که در آیه ۳۶ سوره نبا توسط مکارم ذکر شده، نه با سیاق آیه هماهنگ است و نه از سوی لغویان تأیید شده است؛ از همین رو، سایر مترجمان نیز آن را نپذیرفته اند.

بر این اساس، ترجمه پیشنهادی برای چند ساخت این باب به شرح زیر است:

وَاللّٰهُ سَرِیْعُ الْحِسَابِ (بقره: ۲۰۲): «و خداوند، شمارش گری بسیار دقیق و سریع است.»
وَاللّٰهُ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (بقره: ۲۱۲): «و خداوند هر که را بخواهد، با شمارشی بسیار دقیق روزی می دهد.»

وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِیْ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْکُمْ بِهِ اللّٰهُ (بقره: ۲۸۴): «و اگر آنچه در دل دارید آشکار یا پنهان کنید، خداوند [اعمال] شما را بسیار دقیق شمارش می کند.»

۷. معنای ساخت جامد غیرمصدری ریشه «ح-س-ب»

ساخت «حَسَبَ» ۱۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است. لغویان درباره این ساخت تا حد زیادی اتفاق نظر دارند و دو معنا را برای آن ذکر کرده اند: «کافی» (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۱۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۲۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷۴) و «عده و الاحصاء: شمارش» (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۵؛ ابن منظور، همان).

صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز این ساخت را به معنای «کافی» معنا کرده اند (ابن جوزی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۱-۲۵۰؛ نیشابوری، ۱۴۲۲، ص ۲۰۶-۲۰۷). مفسران نیز همگی معنای «کافی» را برای آن ذکر کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۴۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۵۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۶۴).

با توجه به اینکه «حَسَبَ» ساختی متفاوت از «حُسبان» است، و ذکر معنای «شمارش» برای آن در آیات با تکلف همراه است، معنای «کافی» در اغلب موارد مطلوب ارزیابی می شود. با این

حال، باید توجه داشت که خود معنای «کافی» نیز معادل فعل «کفی» در قرآن است. در واقع، واژه «حَسَب» و فعل «کفی» از نظر معنایی به یکدیگر نزدیک‌اند و در مفهوم کفایت اشتراک دارند، اما تفاوت‌های ظریف و مهمی میان آن‌ها وجود دارد که فهم دقیق‌تر این واژگان را ضروری می‌سازد. «حَسَب» علاوه بر معنای اصلی کفایت و بسندگی، بار معنایی گسترده‌تری شامل پنداشتن، شمارش و محاسبه نیز دارد. این ویژگی‌ها موجب می‌شود که «حَسَب» معنایی دقیق‌تر و عمیق‌تر از صرف کفایت داشته باشد.

به‌ویژه در ساخت فعل «حَسَبَ يَحْسَبُ»، که به باب «عَلِمَ يَعْلَمُ» تعلق دارد، این فعل علاوه بر مفهوم کفایت، به معنای محاسبه و شمارش نیز اشاره دارد (راغب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۳۴). این نکته نشان می‌دهد که «حَسَب» نه تنها به معنای کفایت است، بلکه شامل فرآیندهای ذهنی مانند ارزیابی، سنجش و محاسبه نیز می‌شود.

در مقابل، فعل «کفی» بیشتر به معنای صرف کفایت کردن و بسندگی محدود می‌شود و فاقد بار معنایی پیچیده‌تر «حَسَب» است. بنابراین، می‌توان گفت که «حَسَب» نسبت به «کفی» معنایی گسترده‌تر و چندوجهی‌تر دارد و از همین‌رو، در متون ادبی و دینی واژه‌ای غنی و پرکاربرد محسوب می‌شود.

ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر از ساخت جامد غیرمصدری

این ساخت در ترجمه‌های فارسی معاصر در سه ظاهر متفاوت به‌صورت زیر ترجمه شده است:

بسندگی	کافی: کفایت	بس	
---	۲	۹	فولادوند
---	۹	۲	مکارم
---	۳	۸	انصاریان
---	۲	۹	یزدی
۱	---	۱۰	عادل
---	۵	۶	کوشا

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، ترجمه «کفایت» در قرآن با ساخت خاص خود، یعنی «کفی»، به‌کار رفته و نمی‌تواند به‌درستی مراد اصلی خداوند از ساخت «حَسْب» را منتقل کند. افزون بر این، واژگان «کافی» و «کفایت» بیشتر در قالب‌های وصفی یا مصدری به‌کار می‌روند و مشتقاتی از ریشه‌های دیگرند؛ در حالی که ساخت‌های جامد غیرمصدری، مانند «حَسْب»، از واژه‌ای دیگر مشتق نشده‌اند و به‌عنوان اسامی مستقل، فاقد معنای مصدری یا فعلی‌اند.

از این‌رو، ساخت «حَسْب» نیازمند معادلی مستقل در زبان فارسی است. در میان ترجمه‌های موجود، واژه «بس» به‌عنوان یک کلمه جامد غیرمصدری، بهترین گزینه برای انتقال مفهوم «حَسْب» به‌شمار می‌آید. برخلاف «کافی» یا «کفایت» که بیشتر در قالب‌های وصفی یا مصدری ظاهر می‌شوند، «بس» با ویژگی استقلال واژگانی و سادگی معنایی، مفهوم چیزی را که به‌اندازه کافی باشد و نیاز را برطرف کند، به‌طور موجز و دقیق منتقل می‌کند.

از منظر ساختی و اشتقاقی نیز، واژه «بس» ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر واژگان متمایز می‌سازد؛ زیرا از ریشه‌ای گرفته شده که منشأ مشتقات دیگر نیست. در ترکیب «بسند»، بخش «اند» به معنای مقدار اندک است، در حالی که «بس» به‌صورت مجازی و مخفف، به معنای «فراوانی» و «کفایت» به‌کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۸۷).

این معنا تنها در آیه ۶۴ سورة انفال توسط حدادعادل ذکر شده است؛ آیه‌ای که به کفایت یاری خداوند و مؤمنان اشاره دارد. مفهوم تفسیری آیه با واژه «بس» به‌عنوان «کافی بودن» یا «فراوانی و کفایت» بهتر از «بسند» منتقل می‌شود. بنابراین، استفاده از واژه «بس» به‌عنوان برگردان ساخت‌های جامد غیرمصدری، مناسب‌تر و دقیق‌تر است.

بر این اساس، حدادعادل بهترین ترجمه و مکارم ضعیف‌ترین ترجمه را ارائه داده‌اند. ترجمه پیشنهادی برای یکی از آیات این ساخت به شرح زیر است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (انفال: ۶۴): «ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو باشند، تو را بس است.»

نتیجه‌گیری

ریشه «ح-س-ب» دارای سه مصدر اصلی است: «حَسبان»، «حُسابان» و «حَسْب»؛ که هر یک معنای متفاوتی دارند و در قرآن، ساخت‌های صرفی گوناگونی از آن‌ها مشتق شده است.

مصدر «حَسبان» به معنای «پنداشتن» است و در قرآن، دو ساخت از آن آمده است:

ساخت ثلاثی مجرد: ترجمه مناسب آن «پنداشت» است.

ساخت باب افتعال: ترجمه پیشنهادی «به‌هیچ‌وجه نمی‌پنداشتند» است.

در این ساخت‌ها، برخی مترجمان معادل‌هایی مانند «گمان» را برگزیده‌اند که اساساً با معنای واژه هم‌خوانی ندارد. در ساخت ثلاثی مجرد، کوشا با ۴۱ بار و فولادوند با ۳۵ بار گزینش «پنداشتن»، بهترین عملکرد را داشته‌اند؛ در حالی که یزدی با ۳۱ بار و مکارم با ۲۸ بار گزینش ترجمه‌های دیگر، عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند. در ساخت باب افتعال، تنها فولادوند، آن‌هم با اندکی تساهل و در یک مورد، ترجمه‌ای نسبتاً دقیق ارائه داده است. مصدر «حُسابان» به معنای «شمارش دقیق» است و در قرآن، ساخت‌های زیر از آن مشتق شده‌اند:

ساخت مصدر: «شمارش دقیق»

اسم فاعل: «شمارش‌گر دقیق»

صفت مشبّه: «همواره شمارش دقیق»

باب مفاعله: «شمارش‌گر بسیار دقیق»

در این موارد، ضعف عمده مترجمان، کم‌دقتی در ساخت‌شناسی و انتقال ناقص معنای هر ساخت بوده است. با چشم‌پوشی از برخی ایرادات مانند استفاده از واژگان عربی برای ساخت مصدر، عملکرد مکارم و انصاریان مطلوب و عملکرد فولادوند ناموفق ارزیابی می‌شود. ساخت «حَسَب» به معنای «بس بودن» است و در قرآن، تنها همین شکل با همین معنا به کار رفته است. مشکل اصلی برخی مترجمان، انتخاب معادل «کفایت» است که با ساخت «کَفَى» سازگارتر است. در این مورد، حدادعادل با ۱۰ بار، و فولادوند و یزدی با ۹ بار گزینش واژه «بس»، بهترین عملکرد را داشته‌اند؛ در حالی که مکارم با ۹ بار و کوشا با ۵ بار گزینش معنای «کفایت»، ضعیف‌ترین عملکرد را نشان داده‌اند.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن جوزی، جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمن (۱۴۰۷ق)، نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر، بیروت: موسسه الرسالة.
۳. ابن‌سلیمان بلخی، مقاتل (۲۰۰۶م)، الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، محقق: حاتم صالح الصّامن، دبی: مرکز جمعه الماجد للثقافة و التراث.
۴. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، التحرير و التنویر، بی‌جا.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۹۸ش)، ترجمه قرآن کریم، قم: اسوه.
۷. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۰ش)، ترجمه قرآن کریم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. حسینی‌زیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، محقق: علی شیر، بیروت: دارالفکر.
۹. دامغانی، حسین بن محمد (۱۹۸۰م)، قاموس القرآن أو اضلاح الوجوه و النظائر، بیروت: دارالعلم المالیین.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ روزنه.
۱۱. راغب‌اصفهانى، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۲. روحی‌برندقی، کاووس؛ حاجی‌خانی، علی؛ فریادرس، محسن (۱۳۹۴ش)، «ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم؛ مشتمل بر ماده حشر»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۱۹-۱۴۴.
۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۴. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۱۶. طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی‌اشکوری، تهران: مرتضوی.
۱۸. طیب‌حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۸ش)، مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۹. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴ش)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریه.
۲۰. عسکری، ابوهلال (۲۰۰۷م)، الوجوه و التّظائر، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
۲۱. عود، هارون بن موسی (۱۴۰۹ق)، الوجوه و التّظائر فی القرآن الكريم، بغداد: دایرة الآثار و التراث.
۲۲. فخررازی، ابوعبدالله (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العين، قم: نشر هجرت.
۲۴. فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۵ق)، ترجمه پارسی قرآن کریم، تهران: دار القرآن الكريم.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۷. کوشا، محمدعلی (۱۴۰۳ش)، ترجمه قرآن کریم، تهران: نشر نی.
۲۸. المدرس افغانی، شیخ محمدعلی (۱۴۲۶ق)، الکلام المفید للمدرس و المستفید فی شرح الصمدیه، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش)، القرآن الكريم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. ناصری، مهدی (۱۳۹۳ش)، «قرآن کریم با ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، ترجمه معاصر وفادار به زبان فارسی»، جستارهای قرآنی و حدیثی مدرس، (۱)، صص ۱۱۵-۱۴۷.
۳۲. نیشابوری، ابی عبدالرحمن اسماعیل بن احمد الحیری (۱۴۲۲ق)، وجوه القرآن، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۳. واعظزاده خراسانی، محمد (۱۴۲۹ق)، المعجم فی فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته، قاهره: قسم القرآن فی مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۴. یزدی، محمد (۱۳۸۶ش)، القرآن الكريم، قم: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی